

بانوان مشهدی فعال در عرصه رسانه از وضعیت کاری و دغدغه‌هایشان برای رفع مشکلات شهری می‌گویند

هیچ روزمان شبیه دیروز نیست

۶۶

شهر بانو

۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۴۵۲ | روزنامه شهر آرا

۱۴۰۰ ۰۵ ۱۷

شنبه

ما هم
هستیم
پس می‌توانیم

سختی‌های
خبرنگاری
برای زنان



حمیده وحیدی
روزنامه‌نگار

(فروغ)

استکان‌های نقره‌ای که دست به دست شد

با آن‌ها ارتباط گرفت و از چگونگی و سختی این شغل پرهیاهو پرسید. شغل خبرنگاری برعکس سر و صدای زیادش از آن حرفه‌هایی است که آدم را بدجور توی لاک خودش فرومی‌برد. از آن جهت که خبرنگار ممکن است توی جمع باشد اما دغدغه‌ها، درگیری با مشکلات روزمره جامعه، و پیگیری مسائل تخصصی حوزه کاری، او را نامرئی می‌کند. شغلی است که فراموش کاری موقت اولین دردی است که گریبان گیر اعضایش می‌شود. آن‌ها یاد می‌گیرند کم‌نیازند تا دستشان برای کوبیدن روی میز و احقاق حقوق مردم پر باشد.

این سال‌ها بانوان خبرنگار در مشهد تلاش کردند مشکلات حقوقی و شهری را در کمترین زمان به گوش کسانی که قدرت تغییر داشتند برسانند.

بخشی از زندگی بانوان خبرنگار پشت قاب پررنگ و لعاب شغلشان گم شد، آن‌هایی که صفحه مانیتور را بیش از فرزندان و پدر و مادرشان دیدند، آن‌هایی که مدام در جلسات مختلف در رفت‌وآمد بودند اما برای خرید یک لباس مجلسی ماه‌تاماها پایشان را در هیچ بازار و خیابانی نگذاشتند. بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم اگر فراتر از هیجان خبرنگاری، مشکلات بانوان در این قشر توسط همان اولی‌ها منتشر می‌شد، چند نفر بعدها حاضر می‌شدند سال‌های زیادی را پشت صندلی دانشگاه برای آموختن و کسب مهارت در این رشته تحمل کنند. راستش قصه خبرنگاران و عکاسان قصه درازی دارد اما یک چیز هست که این آدم‌ها را مثل زنجیره جلوتر از بقیه سپر بلا می‌کند و آن یک کلمه تکراری به وسعت همه زندگی است: عشق و دیگر هیچ.

مدتی پیش وقتی داشتم زندگی «مریم عمید» اولین روزنامه‌نگاران ایران و صاحب نشریه «شکوفه» در سال ۱۲۹۲ خورشیدی را می‌خواندم، فارغ از همه تلاش‌هایش در شرایطی که حتی برخی زنان ناصرالدین شاه سواد خواندن و نوشتن خود را پنهان می‌کردند، یک نکته جالب ذهنم را مشغول کرد و آن این بخش از متن بود: «مریم عمید اگرچه روشن فکر بود اما زنی بود که زندگی شخصی‌اش را با تمام مختصات عرفی زنانه حفظ کرده بود. تمام کارهای خانه‌اش را خودش به تنهایی انجام می‌داد. به گفته یکی از نزدیکان، یک بار تمام استکان‌های نقره خود را فروخت تا بتواند مخارج چاپ نشریه شکوفه را بپردازد و در اثر عشق و علاقه مفرط در این راه، کلیه اموال و دارایی خود را صرف کارهای اجتماعی و فرهنگی کرد.»

همین چند استکان نقره شاید همه زندگی روزنامه‌نگارانی باشد که بعد از آن ۲ زن در مدت ۱۱۰ سال بعد راه را در همواری‌ها و ناهمواری‌ها ادامه دادند، دختران جوانی که لحظات نقره‌ای و طلای زندگی‌شان را با محلولی از انرژی و امید ظرف جسمشان حل کردند و در گمنامی تلاش کردند چیزی را بهبود بخشند، آن‌هایی که می‌دانستند حفظ و ارتقای خانواده، مادرانگی و زن بودن با آموزش صحیح همراه است. پس تا زمانی که موانع از پیش پای زنان برداشته نشود، این قشر رشد نخواهند کرد.

این روزها به یمن فضای مجازی می‌توان جز رصد روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها، بانوان خبرنگار را در شبکه‌های مجازی نیز دنبال کرد،

شهربانو

اشنبه
۱۷ مرداد ۱۴۰۰
۲۸ دی‌ماه ۱۴۴۴ شماره ۳۲۵۲

(۲)



(آفاق)

عالیه حجت‌زاده
پیش‌کسوت بانوان روزنامه‌نگار مشهد

ما هم هستیم پس می‌توانیم

سال ۱۳۷۰ همسرم از تهران به مشهد منتقل شد. من هم به تبع او راهی اینجا شده‌ام، مشهد؛ شهر امام رضا(ع)، شهری مذهبی. روزنامه‌نگارم با سابقه‌ای چهارده‌پانزده‌ساله در مؤسسه اطلاعات تهران. وقتی روبه‌روی مدیرمسئول روزنامه قدس که برای همکاری از من دعوت کرده است قرار می‌گیرم، متوجه می‌شوم مسئولیتم ایجاد سرویسی برای زنان است، برای بانوان جوان و علاقه‌مند و تحصیل کرده در رشته‌های مختلف. ظاهر قضیه چندان سخت نیست اما چیزی نمی‌گذرد که می‌فهم هیچ دانشکده‌ای در مشهد برای روزنامه‌نگاری نیرویی تربیت نکرده است و فقط در تربیت جام رشته ارتباطات با گرایش جامعه‌شناسی وجود دارد. باید کاری کنم. دست به کار می‌شوم و به تدریج کلاس‌های آموزشی تجربی و عملی برای خانم‌های علاقه‌مند و با استعداد مشهدی راه‌اندازی می‌کنم. می‌آیند مشتاق و پرشور، اما بیگانه با کار روزنامه‌نگاری. بعضی‌ها ایشان ادبیات فارسی و مترجمی خوانده‌اند و بعضی‌ها روان‌شناسی و علوم سیاسی. مشکل این‌ها نیست. مشکل پذیرش محیط‌های اداری و کسانی است که باید این نیروها به میان آن‌ها بروند و مصاحبه و گزارش تهیه کنند. (دهه ۷۰ خورشیدی را به یاد بیاورید.)

اولین روزی که یکی‌شان برای مصاحبه با مدیر و دانش‌آموزان یک دبیرستان می‌رود با سد نامه اداری از روابط عمومی آموزش و پرورش روبه‌رو می‌شود و اینکه مدیر آنجا باور نمی‌کند در روزنامه، خانمی هم فعالیت خبرنگاری دارد. دیگری گریه‌کنان می‌آید، دختری پرشور و علاقه‌مند به عکاسی که رفته است از مراسم راهپیمایی روز ۱۳ آبان عکس بگیرد و وقتی با اعتراض پلیس روبه‌رو می‌شود، به ناچار روی نردبان یک ماشین آتش‌نشانی که کنار خیابان پارک بوده است، می‌رود و عکس‌های قشنگی از این مراسم می‌گیرد. اما دوربین او را می‌گیرند از او نامه رسمی می‌خواهند که ندارد! دوربینش ضبط می‌شود و اگر مداخله سردبیر نبود، دوربینش را پس نمی‌دادند.

یک بار نیز که مسابقات هم‌بستگی بانوان کشورهای اسلامی در مشهد برگزار می‌شد، یک مصاحبه با مسئول ورزش بانوان کشور و تیم‌های قهرمان بسکتبال و والیبال گرفتم و به همان خانم عکاس که همراهم بود، گفتم از خانم‌ها با کاپشن‌های ورزشی و مقنعه در داخل سالن چند تصویر بگیرد و از چهره آن مسئول همین‌طور. ناگهان چند آقا وارد شدند و با اعتراض دوربین را گرفتند و فیلم‌هایش را درآوردند. هرچه اصرار کردم چه اشکالی دارد عکس از قهرمان‌ها داشته باشیم، گفتند: نمی‌شود! باید از سازمان تربیت بدنی تهران اجازه بگیرد. از کجا بدانیم شما خبرنگار هستید؟!

وقتی تأیید آن خانم مسئول را که از تهران مرا می‌شناخت، گرفتند و کارت دبیر گروه بانوان و خانواده من را دیدند، گفتند: پس این عکس‌ها را خودمان چاپ می‌کنیم و هرکدام را صلاح باشد تأیید می‌کنیم!...

اما سال‌ها می‌گذرد تا خانم‌های علاقه‌مند با سماجت و پشتکار خود، در مکان‌های ورزشی، برای تهیه خبر مسابقات دانش‌آموزی یا تیمی و بیمارستان‌ها و تفریحگاه‌ها، برای تهیه گزارش جلسات رسمی و مصاحبه‌هایی جدی، خیلی جدی با مسئولان استانی و کشوری به عنوان یک خانم روزنامه‌نگار پذیرفته شوند و نیز مسئولان را برای عملکردشان به چالش بکشند و ...

یکی دیگر از جنبه‌های کارمان این بود که سعی کنیم خبرنگاران زن بیشتر گزارش‌های شهری و میدانی تهیه کنند تا حضورشان برای مردم عادی شود. در نتیجه، گزارشی از فرهنگ آپارتمان‌نشینی و سنتی و مقایسه‌اش با یکدیگر تهیه کردیم.

وقتی خانم خبرنگار ما به محله‌ای قدیمی در شرق مشهد رفته بود، گروهی از خانم‌ها را در یکی از خانه‌ها مشغول سبزی پاک کردن دیده بود. آن‌ها صمیمانه می‌گفتند و می‌شنیدند اما هیچ‌کدام حاضر به مصاحبه نشدند و یکی از آن‌ها گفته بود: «برو دختر جان! به شوهر و بچه‌ات برس. تو را چه به این کارها؟!» دیگری هم ادامه داده بود: «مصاحبه؟ نه، آقامان نمی‌گذارد!» ولی عکاس توانست از دور از آن‌ها یک عکس به یادماندنی بگیرد.

اما در پی بازخوانی گوشه‌ای از خاطرات حرفه‌ای، باید تأکید کنم این مرهون هیچ چیزی نیست جز پشتکار، علاقه و البته سماجت بانوان خبرنگاری که بر «ما هستیم و می‌توانیم» اصرار ورزیدند. اکنون راه برای حضور بسیاری از دختران و زنان علاقه‌مند به این حرفه باز است، باید قدرش را دانست و دست از تلاش بر نداشت زیرا هر کاری شروع سخت است و اینکه دلسرد نشوی و ادامه بدهی.



سختی‌های خبرنگاری برای زنان



دکتر
محدثه جزایی

دبیر انجمن
علوم سیاسی
شعبه خراسان

صدف

شخصیت‌ها و مکان‌ها این مسئله بسیار بیشتر خود را نمایان می‌کند. به نظر می‌رسد حوزه گردشگری و زیارت بتواند عرصه‌ای باشد که خبرنگاران زن در آن با فراغ بیشتری به فعالیت بپردازند. با این همه، آسمان دنیای خبرنگاران کم‌وبیش همه‌جا یک‌رنگ است.

سهم زنان خبرنگار از زیارت و گردشگری شهری

مشهد یکی از کلان‌شهرهای مذهبی و مقصد گردشگری مسافران بسیار زیادی است که به این شهر می‌آیند. شهرهایی که بیشتر مورد توجه شهروندان به‌عنوان مقصد گردشگری یا پناهی برای یافتن آرامش قرار می‌گیرند، می‌توانند مکان‌های مناسبی برای تهیه خبر و گزارش باشند. حضور خبرنگاران زن در شهرهای مذهبی باعث می‌شود جزئیات و رویدادهای متناسب با جامعه زنان، نیازها، فرصت‌ها و امکانات بهتر و بیشتر مورد توجه قرار گیرند. البته این تنها سطحی خرد از فعالیت‌های خبرنگاران زن در شهر مشهد است که می‌تواند با تمرکز بر گردشگری و زیارت به سایر مسائل سیاسی و اجتماعی در شهر بپردازد.

همچنین معتقد هستیم سهم زنان خبرنگار در مشهد، در مدیریت رسانه‌ها و انجام فعالیت‌های جدی‌تر در این حوزه بسیار اندک است، در حالی که اگر سهم مدیریتی زنان در بخش رسانه‌ای بیشتر شود، می‌تواند تحولی در جایگاه و وضعیت خبرنگاران زن به‌وجود بیاورد.

خبرنگاری یکی از مشاغل پرتنش در سراسر جهان است؛ حرفه‌ای که می‌تواند بر روندهای اجتماعی و جهت‌گیری‌های سیاسی به‌شدت اثرگذار باشد. خبرنگاران دیده‌بانان جامعه هستند و از درچه‌لنز دوربین و قلم آن‌هاست که ما با رویدادها و اتفاق‌های جهان پیرامونمان مواجه می‌شویم. وقتی دختران و زنانی شغل خبرنگاری را برای خود انتخاب می‌کنند، یعنی علاوه بر همه فشارهای روانی، اجتماعی و خانوادگی که جامعه بر زنان به‌طور کلی تحمیل کرده است، وظیفه خطیری را نیز برعهده می‌گیرند که دشواری‌های مضاعفی را برای آن‌ها به‌همراه می‌آورد. اما فرصت‌هایی که حضور این زنان در عرصه خبرنگاری ایجاد می‌کند، طرح پرسش‌ها و جست‌وجوگری آن‌ها برای کشف حقیقت‌هایی درباره و برای زنان و وسعت دیدی که آن‌ها رویه‌روی چشم جامعه گشوده‌اند، بارقه‌امیدی است که اگر با قدردانی همگان از زحمات آن‌ها همراه باشد، می‌تواند تحمل دشواری‌های پیش‌روی آنان را آسان کند.

همه زندگی ما این روزها به محاصره رسانه‌ها درآمده است. گویی که دیگر بدون فضای مجازی و رسانه‌هایی که در اطراف ما همیشه و در همه‌جا حاضر هستند، نمی‌توان زندگی کرد. اما همه این رسانه‌ها چه کاغذی و چه مجازی، برای تولید محتوا متکی به حضور واقعی افرادی هستند که به جست‌وجوی سوژه‌های خبری می‌پردازند، اهمیت رویدادها را مشخص می‌کنند و سرانجام آن‌ها را به محتوایی قابل انتشار در رسانه‌های گوناگون تبدیل می‌کنند. خبرنگاران همان افرادی هستند که اهمیت کار آن‌ها و ضرورت حضورشان همواره پشت ابری از خبرهای گوناگون پنهان بوده است. خبرنگاران زن در این میان، حتی نادیدنی‌تر و پنهان‌تر هستند. بر همین اساس، لازم است تأملی کوتاه درباره چالش‌ها و فرصت‌هایی که حضور خبرنگاران زن در شهری مانند مشهد ایجاد می‌کند، داشته باشیم.

راه دشوار آشکار کردن حقیقت

اگر بخواهیم حرفه خبرنگاری را در یک جمله تعریف کنیم، چیزی جز کشف حقیقت و آشکار کردن آن نیست. خبرنگاران زن می‌توانند با در نظر گرفتن چالش‌های ویژه زنان در جامعه، به بازنمایی مشکلات و گرفتاری‌های افشار گوناگون در جامعه بپردازند. وجود تجربه بی‌واسطه از برخی مشکلات و محدودیت‌های بهداشتی مربوط به فیزیولوژی زنان، آگاهی عمیق از مسائلی مانند بارداری، زایمان و پرورش و تربیت فرزندان و نیازها و خواسته‌هایی که همه زنان جامعه را در برمی‌گیرند، می‌تواند با قلم خبرنگاران زن، برجسته شوند.

وضعیت جامعه و در مواجهه با تلخی‌های این روزها، بیش از گذشته بر خبرنگاران سخت می‌گیرد. انگار قرار است یک خبرنگار همیشه حقایق تلخ اجتماعی را بر ملا کند و این اتفاق ناایمنی است که جامعه ما با آن روبه‌روست. در چنین موقعیتی چنانچه اخباری از موفقیت‌های جامعه پزشکی در باره درمان زنان و یا گزارشی درباره بهبود شرایط اجتماعی و فضاهای شهری به نفع زنان مطرح شود، این اتهام‌ها بیشتر می‌شود و صف‌ها dی چون ریاکاری به خبرنگاران بیشتر اطلاق می‌شود.

در آن سو برخی در همه جوامع انتظارات گزافی از خبرنگاران دارند. آن‌ها توقع دارند که خبرنگاران جز اخبار و گزارش‌هایی که آن‌ها می‌پسندند منتشر نکنند و این در تعارض کامل با روح شغل خبرنگارانی است که می‌کوشد حقیقت را آشکار و منتشر کند. در رابطه با خبرنگاران زن، با توجه به محدودیت دسترسی آن‌ها به برخی موقعیت‌ها،

بانوان مشهدی فعال در عرصه رسانه از وضعیت کاری و دغدغه‌هایشان برای رفع مشکلات شهری می‌گویند

هیچ روزمان شبیه دیروز نیست



شهر

شهربانو

اشنبه

۱۷ مرداد ۱۴۰۰

۲۸ دی‌ماه ۱۴۴۲ شماره ۲۵۲

۴

عکس: ۱۳۳۰ شهرآر

سال‌هاست که خودکار، دستگاه ضبط صدا و ذهنی پر از پرسش همراهان است. بارها و بارها به نشست‌های مطبوعاتی مختلف می‌رویم و همیشه پرسش‌هایی را در ذهنمان بالا و پایین می‌کنیم تا آن‌ها را به مسئولی که در دسترس مردم نیست، برسانیم و پاسخ درستی برای مطالبات بحقشان پیدا کنیم. چه روزها که ده‌ها بار برای پیگیری مطالبه‌ای گوشی تلفن را زمین گذاشته‌ایم و چه شب‌ها که از فکر و خیال مشکلات مردمی که در گزارش‌های میدانی هم صحبتشان می‌شویم، بیدار خوابی نکشیده‌ایم. دلمان می‌خواست و هنوز هم می‌خواهد همیشه خوش‌خبر باشیم، اما چه کنیم که گاهی نوشته‌ها تلخ می‌شود و دست ما هم برای نوشتن کند. خبرنگاری شغل بی‌حاشیه‌ای نیست. باید از حاشیه امن خود بیرون بزنیم و هر خطر حتی امانتی را به جان بخریم تا حلقه واسطی باشیم از نیم‌پنهان جامعه که مسئولان از اوضاع آن‌ها بی‌خبرند. در این گزارش، روایت‌هایی از بانوان خبرنگار و بانوانی که در این زمینه مدیریت را برعهده دارند می‌خوانیم.



استفاده بیشتر از ظرفیت‌های بانوان خبرنگار



فائزة احمدی/سرپرست روزنامه همشهری خراسان رضوی

اوبامدرک تحصیلی کارشناسی روابط عمومی در گرایش رسانه، از سال ۸۵ به رسانه سلام می‌گوید. از همان ابتدای کار نیز وارد روزنامه همشهری می‌شود، همان جایی که حالا سرپرست آن است. هدفی که به عنوان یک فعال رسانه در همان گذشته نیز دنبال می‌کرد این بود که روزی نشان بدهد که می‌شود از صفر تا صد یک رسانه را بانوان اداره کنند. برای اینکه این هدف را محقق کند، مورد قضاوت هم قرار گرفت، اما اهمیت این موضوع برای او بیش از این‌ها بوده است و هست. «۸ سال خبرنگار بودم و بعد از آن مدیر شدم. به نظرم برای این شغل مرد وزن باید شم خبرنگاری داشته باشند تا بتوانند همه مشکلات آن‌را به جان بخرند.» «و علاوه بر اینکه به عنوان مدیرمسئول هفته‌نامه پایش شهر مانیز فعالیت می‌کند، معتقد است باینکه سرپرستی، مسئولیت‌های مختلفی را بر دوش افراد می‌گذارد، خبرنگاران بیشتر در معرض خطر و اهانت قرار می‌گیرند. من اسم مدیر را بر خودم نمی‌گذارم و هر چند سالی که سابقه کار داشته باشم، باز هم خودم را خبرنگار می‌دانم. سمت بعضی از مدیران در کشورمان ظاهراً سخت است، اما نوع کارشان سخت نیست و مانند خبرنگاران نیاز به کار میدانی ندارند.»

احمدی معتقد است بعد از پیروزی انقلاب در کشورمان، شاهد حضور بیشتر زنان در شغل خبرنگاری بودیم اما متأسفانه با وجود این، در کشور ما ۱۹ درصد سهم بانوان خبرنگار در رسانه‌هاست. «خبرنگاران جزو گروه‌هایی هستند که برای احقاق حقوقشان صنف منسجمی ندارند و بانوان خبرنگار در کشورمان با خلأهای حمایتی روبه‌رو هستند. می‌شود گفت که نه قانون‌گذار مطبوعاتی به

فکر احقاق حقوق ماست نه پیش کسوتان این عرصه. در واقع می‌توانیم بگوییم که ما گل به خودی می‌خوریم و مشکلات خبرنگاران زن همیشه بیش از خبرنگاران

مرد بوده است.» او به طور کلی در حوزه مربوط به خبرنگاران و عوامل مطبوعاتی دغدغه‌مند است. سرانجام می‌تواند با همکاری تعدادی از پیش‌کسوتان این حوزه، شرکت تعاونی صاحب رسانه را راه بیندازد تا بتوانند امکاناتی را برای این قشر همیشه در صحنه فراهم کنند. «در واقع در این شرکت تعاونی، خدمات آموزشی، رفاهی و تفریحی در کنار تشکلهای صنفی دیگر مانند بسیج رسانه و خانه مطبوعات ارائه می‌دهیم.»

احمدی یکی از چالش‌های خبرنگاری برای بانوان را در مشهد این می‌داند که بعضی از نهادها به خبرنگاران خانم اجازه ورود نمی‌دهند. او برای قبول سرپرستی روزنامه همشهری سختی زیادی می‌کشد و حتی خودش پیش قدم می‌شود و درخواست می‌دهد. «بانوان سخت‌کوش، پرتلاش و با انگیزه‌ای در حوزه خبر داریم که خیلی بهتر از مردان می‌توانند مدیریت داشته باشند، اما متأسفانه به آن اندازه‌ای که باید از ظرفیت بانوان خبرنگار استفاده نشده است. بانوان خبرنگار شاید محافظه‌کارانه عمل کنند، اما همواره جسارت پیگیری مشکلات مردم را دارند.»



خبرنگار



ضرورت انتشار روایت و بازخوانی های زنانه

فاطمه رافع / معاون اطلاعات و اخبار روزنامه شهرآرا

معاون اطلاعات و اخبار روزنامه شهرآراست. او پیشینه فعالیت در خبرگزاری ایسنا و روزنامه دنیای اقتصاد را در پرونده خود دارد. رافع در واقع مدیریت کلان رسانه ها را هم مانند سایر حوزه های کاری دیگر جامعه نیازمند حضور زنان می داند: نیمی از جمعیت کشورمان و در مقیاس کوچک تر، شهرمان را بانوان تشکیل می دهند و حضور زنان در حوزه های سیاست گذاری و تصمیم سازی رسانه ها سبب می شود روایت های زنانه، بازخوانی های زنانه و تصویرهای زنانه از مشکلات بی شمار آن ها در رسانه ها، اعم از مکتوب و برخط، انعکاس شایسته تری یابد و در مواردی به نتایج مطلوبی هم منتج شود و گره برخی مشکلات بی شمار جامعه بانوان از این مسیر باز شود.

زنان در مدیریت رسانه پرتیراژ غایب هستند

او معتقد است: ضرورت حضور زنان در حوزه های مدیریتی خبر، در جامعه ما هنوز به درستی درک نشده است زیرا مانند سایر بخش های جامعه، در رسانه ها نیز سهم زنان از پست های مدیریتی آن طور که باید و شاید نیست و در شهر مشهد زنان در سطح مدیریت کلان رسانه های پرتیراژ غایب هستند. «البته غیبت زنان در عرصه مدیریتی رسانه ها، علاوه بر در نکردن ضرورت موضوع که به سقفی شیشه ای برای بانوان فعال در

عرصه رسانه تبدیل شده است و شکستن آن نیازمند فرهنگ سازی است، دلایل دیگری هم دارد که یکی از آن ها به سختی کار رسانه به ویژه در حوزه مدیریتی برمی گردد.» سختی های کار در حوزه مدیریتی رسانه که آن را تجربه می کند، این است که این کار روز و شب ندارد و به نوعی شبانه روزی است. از طرف دیگر، مسئولیتی سنگین در پس آن نهفته است. «علاوه بر این، فشارهای درون و برون خانواده و سازمان (محیط کار) نیز فعالیت در این حوزه را برای بانوان سخت تر از مردان می کند. همین دلایل هم سبب شده است برخی بانوان توانمند عطای مدیریت در رسانه را به لقای آن ببخشند.»

نباید احساسات در عرصه رسانه دخیل شود

او بر این باور است زنان وقتی که مدیریت رسانه ای را برعهده دارند، می توانند روایت های زنانه و انعکاس مسائل این بخش از جامعه را پررنگ تر کنند و با تکرار آن با بهره گیری از نگاه تیزبین و موشکافانه زنانه، بر رفع این مشکلات مؤثر باشند. «خبرنگار باید از دخالت احساس در کار خود بپرهیزد و در پی حقیقت باشد. این موضوع زمانی که او در جایگاه مدیریتی در عرصه رسانه فعالیت می کند، اهمیت دوچندان دارد زیرا یکی از ملزومات کار در این جایگاه، تصمیم گیری های منطقی است که در بسیاری موارد ممکن است با احساس در تناقض باشد.»

شهربانو

اشنبه

۱۷ مرداد ۱۴۰۰
۲۸ ذی الحجه ۱۴۴۲ شماره ۳۴۵۲

۵

مطبوعات، شرایط نامطلوب اقتصادی

نجمه فتح پور / سرپرست روزنامه هفت صبح

از سال ۸۶ در پی عشق و علاقه و کمی هم اتفاق وارد کار مطبوعاتی می شود. از ابتدا با روزنامه رسالت، فعالیت خود را شروع می کند و با سخت کوشی، امروز به جایی می رسد که سرپرستی ۳ روزنامه را برعهده دارد. «در سال ۹۴ با روزنامه وطن امروز شروع به فعالیت رسمی به عنوان سرپرست کردم و اکنون سرپرستی روزنامه هفت صبح، اخبار صنعت و صبح اقتصاد را در استان دارم. مدیریت امور چند روزنامه سخت است، اما علاقه ام سبب این کشش و ماندگاری می شود.» او معتقد است به نسبت سال های گذشته فعالیت بانوان و عملکردشان در حوزه خبر خیلی بیشتر شده است. به همین ترتیب، بانوان کرسی های مدیریتی بیشتری را نیز به خود اختصاص می دهند. فتح پور به تازگی حتی در نشست های مرتبط با مدیریت مطبوعات، بانوان بیشتری را به عنوان مسئول و مدیر می بیند. «مطبوعات، شرایط اقتصادی مطلوبی را برای افراد فراهم نمی کند و به نظرم هر کدام

از خبرنگاران که هنوز پای کار مانده اند به دلیل عشق و علاقه شان است. البته من در کنار کار مطبوعات، فعالیت دیگری هم دارم و مدیر یک مؤسسه هستم. همیشه برای مطبوعات وقت بیشتری می گذارم و از نظر اقتصادی در شغل دیگرم دچار لطمه می شوم، اما باز هم هیچ نقطه پایانی برای پایان خبرنگاری در نظر نمی گیرم.» فتح پور با وجود دیدگاهی که گاهی در عرصه رسانه وجود دارد که می گویند زنان در حوزه خبر ناچار می شود در فضایی کار کنند که فرمول آن را مردان طراحی می کنند، به این

موضوع اعتقادی ندارد زیرا از نظر او بانوان خودشان انتخاب می کنند که در اوج باشند و رشد کنند یا در محیطی بسته قرار بگیرند. «به عنوان یک مدیر زن، می دانم که توانایی یک زن، حیطه کاری او را مشخص می کند. هرچند متأسفانه در مشهد به بانوان خبرنگار بها داده نمی شود و بعضی امتیازات به آن ها تعلق نمی گیرد. گاهی دعوت کننده ها حرمتی برای بانوان قائل نمی شوند و متأسفانه برخی از بانوان خبرنگار به ازای کاری که انجام می دهند دریافت مالی خوبی ندارند.»

استفاده بهینه از فضای مجازی

فائقه انوار / خبرنگار گروه خراسان آنلاین

۲۴ سال است که در روزنامه خراسان در بخش سیاسی قلم می زند. او جزو اولین بانوانی بود که در مشهد در عرصه رسانه به صورت جدی در بخش سیاسی فعالیت کرد. او شرایط امروز را نسبت به گذشته بسیار بهتر می داند. معتقد است فضای مجازی و استفاده از صفحه های شخصی برای بانوان خبرنگار توانسته است آن ها را در کارشان توانمند تر کند. او خوشحال است که در زمان درست و خوبی وارد عرصه خبرنگاری شده است. نیمه دوم دهه ۷۰ مردم و مسئولان آماده پذیرش خبرنگاران زن بودند. با این حال شرایط پایتخت را برای کار خبرنگاری بهتر می داند و می گوید: «هرچه شهرها کوچک تر می شود پذیرش مسئولان هم در برابر پاسخ گویی به خبرنگاران کاهش می یابد. به مرور زمان، برخی از مسئولان هم یاد گرفتند به دلایلی از پاسخ گویی به برخی از خبرنگاران زن پرهیز کنند. در این بین، خبرنگارانی باقی ماندند که جسارت مطالبه گری داشتند.» او می گوید یک زمانی به تعداد انگشتان دست خبرنگار سیاسی وجود داشت اما امروز بانوان خبرنگار اثرگذار و تحلیلگران توانمندی فارغ از گرایش های سیاسی در فضای رسانه ای کشور حضور دارند. «در حوزه بین الملل شاهد گزارش های میدانی و چالش های ویژه ای از سوی زنان بودیم. هم چنین در آینده شاهد تحول ویژه ای در عرصه خبر با تقویت فضای مجازی خواهیم بود.»



آغاز خبرنگاری به شکل تجربی



سرور هادیان/ خبرنگار روزنامه قدس

هیچ وقت در دنیای روزهای قبل از خبرنگاری اش فکر نمی کرد که روزی سر و کارش به این کار بیفتد. از روزنامه قدس اشتراک داشت و به طور اتفاقی از کلاس های قصه نویسی و شعر سر درآورد. آن زمان سرور هادیان رشته تجربی می خواند، اما به ادب و هنر علاقه مند بود. «بعد از شرکت در کلاس ها، به مرور قصه هایم در روزنامه چاپ می شد و حس خیلی خوبی داشتم. به صورت تجربی خبرنگاری را یاد گرفتم و مدت زیادی به صورت حق تحریر و پاره وقت کار کردم تا اینکه بعد از ۱۲ سال در روزنامه قدس استخدام شدم.»

سابقه خبرنگاری هادیان به ۳۱ سال می رسد و اکنون در آستانه بازنشستگی است. زمانی که به عنوان خبرنگار وارد روزنامه می شد، تنها ۲ خبرنگار خانم دیگر فعالیت داشتند، اما با گذشت سال ها رشد حضور بانوان خبرنگار در عرصه مطبوعات را شاهد بود. «بعد از اینکه متوجه شدم خبرنگاری شغل جذابی است، آن را به صورت آکادمیک نیز ادامه دادم. از همان ابتدا با حوزه اقتصاد و سیاست نمی توانستم ارتباط بگیرم، اما حوزه اجتماعی مورد علاقه ام بود.»



شهربانو

اشنبه

۱۷ مرداد ۱۴۰۰

۲۸ دی ماه ۱۳۴۴ شماره ۲۵۲

او معتقد است هر زمانی که بانوان در اقلیت قرار می گیرند باید برای جبران این کمیت، بیشتر زحمت بکشند. «بانوان خبرنگار نشان داده اند که اگر سمتی به آن ها محول شود، با همه وظایفشان، کارها را به خوبی انجام می دهند. اگر بخواهیم مقایسه کنیم، مردی که بیرون از خانه کار می کند دغدغه امور خانه را ندارد، اما بانوان باید به وظایف همسر داری، فرزند داری و امور خانه نیز رسیدگی کنند.»

حس خوب پیگیری و رفع مشکلات مردم

هادیان با اشاره به اینکه بانوان باید میان شغل و خانه تعادل برقرار کنند، بر این باور است که خبرنگاری مانند کارمندی نیست که سر ساعت مقرری کار شروع و تمام شود. او حتی روز چهارم بعد از زایمان، ناچار می شود سرکار برود. «هر روزی که خبری را می نویسیم نگران این هستیم که مبادا کلمه یا رقمی را اشتباه شنیده باشیم و در این صورت باید به دادگاه مطبوعات پاسخ بدهیم. با این حال، زمانی که مشکلی به واسطه خبر و پیگیری ما حل می شود، حس خیلی خوبی است. به یاد دارم زمانی برای ویژه نامه سردار شوشتری به سیستان و بلوچستان رفتیم و بعد از آن گزارشی از افراد بی هویت در این استان تهیه کردم که به دلیل نبود هویت دچار مشکلات زیادی بودند. خوشبختانه بعد از پیگیری ها، مرکز تشخیص ژنتیک ایجاد شد.»

شاعری در جست و جوی خبرنگاری



طیبه ثابت/ دبیر ضمیمه کوله پستی شهرآرا

شروع فعالیت طیبه ثابت به عنوان خبرنگار به اوایل دهه ۸۰ برمی گردد و اکنون یکی از پیش کسوتان این حوزه است. او پیش از اینکه وارد عرصه رسانه شود و از پانزده سالگی شعر می گفت. ثابت معتقد است که در شعر نوعی کشف وجود دارد که همین کشف، روشنگری، درک و رنج را در خبرنگاری نیز پیدا می کند. او بنیان گذار صفحۀ کوله پستی در روزنامه شهرآرا برای کودکان و نوجوانان است. او سال هاست با همه عشقی که در وجودش هست، به کودکان و

نوجوانان از ۸ تا شانزده ساله، نوشتن خلاق، فنون شعر و خبرنگاری را آموزش می دهد و تا به حال تعداد آن هایی که آموزش دیده اند به بیش از ۲۰۰ نفر رسیده است. «در این سال ها سعی کردم به بچه ها آموزش بدهم که عزت نفس خود را پیدا کنند و استعداد درونی شان را پرورش دهند. خوشبختانه خیلی از این بچه ها حالا برای خود جوانی شده اند و مراتب علمی خوبی نیز کسب کرده اند.» ثابت بر این باور است که اوایل تعداد نشریات، هفته نامه ها و روزنامه ها محدود و با توجه به فضای اجتماعی حاکم بر جامعه، فعالیت بانوان در این عرصه کم رنگ بود، اما با رشد رسانه های مکتوب و غیرمکتوب و تغییر نگاه اجتماعی به بانوان، شاهد رشد و حضور با کیفیت تر بانوان در این حوزه هستیم. «امنیت شغلی که برای مردان است باید شامل حال زنان نیز بشود.»

برای نمونه، اگر امکان مرخصی زایمان برای همه بانوان خبرنگاری که مادر می شوند وجود ندارد باید فراهم شود یا خوب است که در هفته حتی یک روز، سالن های ورزشی به این بانوان اختصاص پیدا کند تا از سلامت جسمی و در نتیجه سلامت روحی برخوردار شوند. «از دیدگاه او، یک خبرنگار علاوه بر اینکه باید نسبت به جامعه روشنگری داشته باشد، خودش نیز باید احساس خوبی پیدا کند از اینکه روزنامه نگار است، کارهایش به نتیجه می رسد و سبب بهبود اوضاع جامعه یا مردم می شود. «زمانی که یک خبرنگار دچار بی تفاوتی و بی علاقه می شود، آن موقع می تواند موجب آسیب در کار او شود. این موضوع در درازمدت انگیزه خبرنگاران را تحت تأثیر قرار می دهد.»

مادری و خبرنگاری



زهره رنگ آمیز توسی/ خبرنگار روزنامه اطلاعات و مسئول بسیج بانوان خبرنگار

هم مادر و هم خبرنگار است، او هیچ وقت نمی گذارد کار لطمه ای به زندگی فرزندانش بزند و سعی می کند وظایف خود در نقش های مختلف را به خوبی انجام بدهد. معتقد است زنان می توانند با برنامه ریزی به شغل، خانواده و امور خانه خود رسیدگی کنند، در حالی که برخی همین موضوع را دست مایه ای برای طرد زنان از جامعه قرار می دهند. ۷ سالی می شود که خبرنگار روزنامه اطلاعات در مشهد است و فعالیت حرفه ای خود را در عرصه رسانه با خبرگزاری مهر شروع می کند. ضمن اینکه ۳ سالی است که مسئولیت دفتر بسیج بانوان خبرنگار را نیز برعهده دارد. رنگ آمیز با گسترش ویروس کرونا، تصمیم به تهیه گزارش میدانی از کارتن خواب ها در محلات حاشیه شهر می گیرد تا به نوبه خود در کاهش التهابات ناشی از این ویروس برای شهر، سهمی داشته باشد. این موضوع مصداق یکی از همان خطراتی است که خبرنگاران زن به جان می خورند و در مکان هایی پا می گذارند که شاید خیلی از زنان دیگر حتی یک بار هم در طول عمرشان به آن برنخورند. «بعد از انتشار اولین گزارش ها در این حوزه، از سایر رسانه ها نیز دعوت کردیم که با هشتگ شهر بدون کارتن خواب در این پوشش شرکت کنند. من در حین تهیه این گزارش ها متوجه شدم متأسفانه تعداد چشمگیری از کارتن و گودال خواب ها خانم هستند که به هیچ وجه زبینه شهر مشهد نیست.»

ایجاد هویت برای بانوان خبرنگار

رنگ آمیز همیشه این نیت و انگیزه را داشته است که حضور، توانمندی و زحمت زنان در رسانه را که در جایگاه واقعی خودشان قرار نمی گیرند، نشان بدهد. «به همین دلیل، در سال ۹۷، دفتر بانوان خبرنگار مشهد را اندازی شد تا به عنوان اولین قدم، برای این بانوان، هویت ایجاد شود. همین موضوع به زنان این انگیزه را داد که حضورشان دیده می شود و از حقوق تعریف شده ای نیز برخوردار هستند.»

عاشق خبرنگاری نباشی دوام نمی آوری



معصومه مؤمنیان/ سردبیر خبرگزاری فارس

از سال ۹۶ به عنوان کارورز در خبرگزاری فارس شروع می کند. از همان ابتدا وارد حوزه سیاسی و در فروردین ۹۸ دبیر سرویس اجتماعی این خبرگزاری می شود. از بهمن سال ۹۹ نیز مسئولیت سردبیری را برعهده می گیرد. «به نظرم خبرنگاری شغلی است که اگر عاشق آن نباشی، نمی توانی دوام بیاوری. هیچ اجباری برای خبرنگاری نیست، اما زمانی که یک نفر می پذیرد نماینده افکار عمومی باشد باید سختی ها و مخاطرات آن را هم به جان بخرد. شاید مجبور باشی برای پیگیری معضل کارتن خوابی صبح خیلی زود یا پاسی از شب در بیغوله های حاشیه شهر باشی.» او معتقد است بیشتر خبرنگاران به صورت حق تحریری، مشغول به کار هستند. این یعنی حقوق ثابت، بیمه و امنیت شغلی ندارند. «خبرنگاران خود را وکیل مدافع مردم می دانند و برای بهبود شرایط زندگی آن ها و افزایش رضایتشان، بی منت تلاش می کنند و گاهی لازم است جلو کم کاری برخی مدیران قد علم کنند. هیچ کس به اجبار خبرنگار نمی شود، اما تلخی ماجرا اینجاست که بعضی برخلاف میل باطنی شان و به دلیل مشکلات این شغل را رها می کنند.»

مسئولان را پای گودال کارتن خواب ها بردم

او نمی توانست این موضوع را بپذیرد که در این شهر، زنی در خرابه های تاریک، فرزندش را در آغوش می گیرد و با هزاران

(پروین)

حمیده وحیدی
روزنامه‌نگار



گمنام خوش‌تریم

خجسته ناطق ۲۱ مرداد در هنگامه جنگ جهانی دوم وقتی هیتلر دستور حمله به لهستان را داد در مشهد متولد شد. آن زمان جمعیت هجده میلیونی ایران شاهد فراز و نشیب‌های زیادی بود و در مرداد همان سال دوازدهمین دوره مجلس شورای ملی در مشهد به کار خود پایان داده بود. فضای شهر دچار بی‌ثباتی شده بود و نابسامانی‌های اقتصادی کوچه‌های فقر را شبانه‌روزی طی می‌کرد اما زندگی در خانواده ادب‌دوست و فرهیخته ناطق باعث شد به تحصیل و سواد روی آورد. پدرش دبیر ریاضی بود اما عاشق ادبیات. آن روزها که کتاب و روزنامه و مجله در زندگی آدم‌ها جایی نداشت و کمتر خانه‌ای بود که در آن روزنامه پیدا می‌شد او خبرهای روز را می‌شنید. حتی در بین اسباب بازی‌ها که بزرگ‌ترین سرگرمی دوران کودکی‌اش بود هم کتاب مهم‌ترین عنصر زندگی‌اش قلمداد می‌شد. از طرفی، حشر و نشر با بزرگان ادبیات مشهد تأثیر مستقیمی بر نگاهش به دنیا داشت. احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث و خیلی‌های دیگر به خانه‌شان رفت‌وآمد داشتند. همین‌طور خانه پدر بزرگش معروف به حسام واعظی که از وعاظ مشهور در سرشور بود، عرفا و ادبای زیادی را به خود دیده بود. او از ۹ سالگی به تشویق پدر، حافظ را حفظ کرد و شاهنامه‌خوانی را ادامه داد. بعدها در دبستان گوهرشاد محله بازار سرشور و دبستان کویکبه خیابان تهران و دبیرستان فروغ درس خواند.

از طرفی کارش را با روزنامه خراسان خیلی اتفاقی شروع کرد. آن سال‌ها چند دفتر شعر و نثر داشت و دنبال جایی برای انتشار می‌گشت. اشعارش مورد استقبال سید رحمت‌ا... و وظیفه‌دان که آن زمان سردبیر بود قرار گرفت و این شد که جلیل‌تهرانیان، مدیرمسئول وقت، پیشنهاد مسئولیت هفته‌نامه بانوان خراسان را داد. بانو خجسته ناطق، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار پیش‌کسوت مشهدی که از برجسته‌ترین بانوان سرشناس اهل قلم در شهر مشهد و هم‌چنین یکی از اولین فعالان حیطه مطبوعات است، از خود تألیفاتی در عرصه شعر و ادب فارسی به جا گذاشته است. از آن میان، می‌توان به مجموعه شعر «همیشه سبز» و «سخن آشنا» اشاره کرد.

ما دل به رنگ و جلوه دنیا نمی‌دهیم
از کف عنان این دل شیدا نمی‌دهیم

قامت به غیر درگه حق خم نمی‌کنیم
دل جز به مهر ایزد یکتا نمی‌دهیم

آب بقا به قیمت ذلت نمی‌خریم
ما آبرو به وسوسه حاشا نمی‌دهیم

هستیم فکر توشه راه و چو غافلان
امروز را حواله به فردا نمی‌دهیم

گمنام خوش‌تریم و به امید کسب نام
دار و ندار خویش به یغما نمی‌دهیم

ماییم و کنج عزلت و گنج قناعتی
سرمایه حیات به سودا نمی‌دهیم

تا چشم دل به روی حقایق گشوده‌ایم
در سر خیال خام و عبث جا نمی‌دهیم

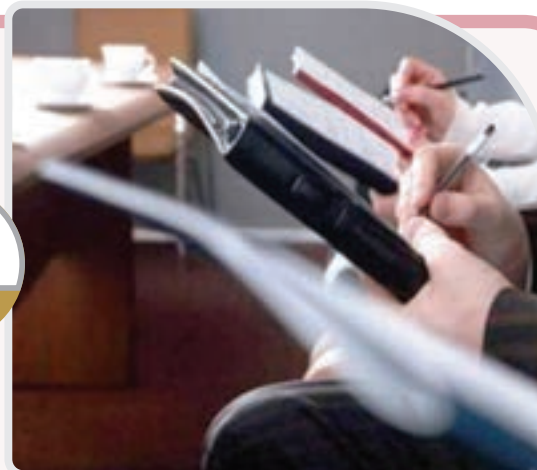
ما ناطقیم و دفتر خود را چو می‌کشان
هرگز به رهن ساغر و صهبان نمی‌دهیم



نسیم



ریحانه صادقی
منجم



زنانی که روایتگر حقیقت هستند

اینکه یک زن خبرنگار باشید کار چندان آسانی نیست. نزدیک به یک‌سوم زنانی که وارد این حرفه می‌شوند در همان مراحل اولیه دست‌کم یک‌بار به کنار گذاشتن آن خیلی جدی فکر می‌کنند. اما کم‌کم هم نیستند زنانی که می‌مانند و با تلاش و جدیت سعی می‌کنند روایت‌های کهنه و روایتگری‌های غلط را به چالش بکشند و آنچه را به فراموشی سپرده شده یا نادیده گرفته شده است برجسته سازند. امروز می‌خواهیم ۲ تن از زنان خبرنگاری را معرفی کنیم که سعی کرده‌اند روایتگر حال بد زمینی باشند که روی آن زندگی می‌کنیم.

آیلین گوو (Eileen Guo)

آیلین گوو خبرنگار مستقلی است که در رسانه‌های چاپی، برخط و شنیداری فعالیت می‌کند. او هیچ وقت در یک اتاق خبر سنتی کار نکرده و هرگز به مدرسه روزنامه‌نگاری نرفته است، اما در زندگی حرفه‌ای خود همواره توجهش را معطوف به جوامع و موضوعاتی کرده است که در حاشیه جریان‌های اصلی قرار داشته‌اند. آیلین که به هیچ عنوان با متزلزل ساختن رویه‌های معمول و ایجاد تحول غریبه نیست، وقتی تصمیم گرفت به موضوع قاچاق در حوزه محیط زیست بپردازد، توانست تحولی در چهارچوب‌های گفت‌وگو درباره این موضوع، و به طور کلی، تجارت بازار سیاه ایجاد کند. وقتی به تجارت بازار سیاه فکر می‌کنید، احتمالاً موضوعاتی مانند مواد مخدر، قاچاق انسان و اسلحه چیزهایی هستند که به ذهنتان می‌آیند، اما آیلین تمرکزش را روی چهارمین کالای سودآور بازار سیاه قرار داد: چوب بلسان بنفش، نوعی چوب جنگلی استوایی که بیشتر برای ساخت آلات موسیقی و مبلمان استفاده می‌شود. آیلین در گزارشی که برای نشنال جیوگرافیک تهیه کرد، تأثیر مخرب قاچاق چوب در گواتمالا را به خوبی به تصویر می‌کشد. با بیش از ۱/۵ میلیون مخاطب علاقه‌مند (بله، درست خواندید!) فقط در پلتفرم Apple News، این گزارش نه تنها از یک بحران زیست‌محیطی پرده برداشت، بلکه زمینه‌ساز تغییر نحوه روایتگری در کشوری شد که چنین گزارش‌هایی به ندرت در آن انجام و دیده می‌شوند.

نادیا شیرا کوئن (Nadia Shira Cohen)

عکاس خبری مستقل، نادیا شیرا کوئن، همیشه می‌دانست دلش می‌خواهد یک عکاس شود. نادیا در پانزده سالگی اولین دوربینش را هدیه گرفت و درست در همان زمان بود که متوجه شد به سرطان مبتلاست. نادیا شروع کرد به ثبت پرتره‌هایی از خودش برای به تصویر کشیدن سیر تحولات جسمانی و احساسی ایجادشده در خود در دوره بیماری. او هم‌چنین از بیماران بخش تومورشناسی که همراه او در بیمارستان مس جنرال در شهر بوستون بستری بودند عکاسی می‌کرد. سال‌ها گذشت و اکنون کارهای او در سطح بین‌المللی شناخته‌شده و مطرح‌اند.

در آوریل سال ۲۰۱۹ نادیا به همراه همکارش در IWMF (بنیاد بین‌المللی رسانه زنان)، نینا استروکلیچ، گزارشی زیست‌محیطی درباره شبه‌جزیره یوکاتان با عنوان «عداوت باورنکردنی بین زنبورداران و منونایت‌ها (فرقه‌ای از مسیحیان) در مکزیک» تهیه کرد که در نشنال جیوگرافیک منتشر شد. این گزارش آن قدر اثرگذار بود که رئیس‌جمهور مکزیک، آندرس مانوئل لویز اوبرادور، روز پس از انتشار آن به کامپچه (یکی از ایالت‌های مکزیک) رفت و بیانیه‌ای رسمی و عمومی در پاسخ به آن منتشر کرد.

نادیا برای این گزارش، جایزه نفر دوم را در بخش محیط زیست مسابقه عکاسی ورلد پرس فوتو (World Press Photo) بنیاد مستقل و غیرانتفاعی برگزارکننده معتبرترین و بزرگ‌ترین مسابقه سالانه عکس خبری) دریافت کرد. موفقیت‌های او به همین جا ختم نشد: این گزارش جایزه بنیاد ایورو (جایزه‌ای که این شرکت آرایشی بهداشتی از سال ۲۰۱۶ با هدف جلب توجه به کره زمین و تنوع زیستی آن به عکاسان اهدا می‌کند) را نیز برای نادیا به ارمغان آورد. نادیا یکی از فینالیست‌های صندوق یادمان بوجین اسمیت (عکاس و خبرنگار مشهور آمریکایی) شد و جایزه لیونین را نیز برای فعالیت مداوم روی همین پروژه دریافت کرد.

منبع:

بنیاد بین‌المللی رسانه زنان (IWMF)

<https://www.iwmf.org/19-women-who-shaped-the-future-of-journalism-in-2019/>

پاسخ به پرسش‌های حقوقی



زهره شوشتری
کارشناس حقوق

در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرداری به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹.

+ چند سال قبل از همسرم جداشدم و حضانت فرزندانم را به مادرشان دادم. دادگاه ۴۸ ساعت در هفته حق ملاقات فرزندان را به من داد، ولی مادرش به بهانه اینکه بچه‌ها خودشان دوست ندارند، گاهی مانع از ملاقات من و بچه‌ها می‌شود. درخواست اجراییه کردم و دادگاه اجراییه تحویل فرزندان در کلانتری را صادر کرد. اکنون پسر ۱۱ سال و دختر ۱۰ سال دارد. آیا فرزندان خودشان می‌توانند در کلانتری از آمدن پیش من خودداری کنند؟ اگر این کار را بکنند، تکلیف رأی دادگاه و اجراییه صادر شده چیست؟

حضانت دختر و پسر صرفاً تا زمان بلوغ با والدین و طبق مفاد اجراییه دادگاه است. پس از بلوغ مستقلاً برای خود تصمیم می‌گیرند.

+ عمه من حدود ۱۴ سال پیش در بحرین فوت شده است و همسرش ۵ سال قبل هیچ فرزندی نداشت. عمه‌ام فقط یک برادر داشت که پدر من بود و او هم فوت شده است. اکنون اقوام همسر عمه‌ام تماس گرفته‌اند می‌گویند شما از ملک بحرین سهم دارید و باید اقدام کنید. با توجه به

اینکه مدارک و فوت‌نامه دست اقوام عمه‌ام است، چگونه بدون مدارک پیش برویم؟

با توجه به اینکه پدر شما جزورثه بوده‌اند از ماترک خواهر خود (یعنی عمه شما) ارث می‌برند. بنابراین باید در دادگاه دولت بحرین اقامه دعوا و با ارائه مدارک شناسایی برای دریافت گواهی انحصار وراثت اقدام کنید.

+ چنانچه زن و شوهر ۴۰ سال زندگی مشترک داشته باشند و شوهر فوت کند، آیا نفقه و مهریه بعد از حیات شوهر قابل مطالبه است؟

مطالبه مهریه و نفقه حق قانونی زن است. چنانچه زوج فوت شود و در خصوص پرداخت موارد مذکور با ورثه اختلافی نباشد، ورثه باید بپردازند و چنانچه امتناع کنند، زوجه می‌تواند علیه سایر ورثه طرح دعوی کند.

+ مهریه عندالمطالبه با عندالاستطاعه چه تفاوتی دارد؟

منظور از مهریه عندالمطالبه، مهریه‌ای است که خانم هر وقت بخواهد می‌تواند از شوهر درخواست کند و شوهر مکلف به

پرداخت است اما مهریه عندالاستطاعه مهریه‌ای است که در صورتی مرد مکلف به پرداخت آن است که دارای تمکن و وضعیت مالی مناسب باشد.

+ با توجه به درج مبلغ مهریه مادرم در عقدنامه، نحوه احتساب مهریه به چه صورت خواهد بود؟

اگر مهریه وجه رایج باشد، بر اساس سال عقد و شاخص تورم که توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود محاسبه خواهد شد که می‌توان برای دستیابی به فرمول محاسبه و مبلغ به روز آن به سایت مرکز ارتباط مردمی قوه قضائیه مراجعه کرد. این نکته را نیز باید در نظر داشت که اگر آقا فوت کرده باشد و مهریه وجه رایج باشد، از سال عقد تا فوت آقا مهریه به نرخ روز حساب می‌شود و از اموال به‌جای مانده قابل وصول خواهد بود.



شهرزاد

الهام یوسفی
فعال فرهنگی



نگاهی به کتاب زن ایرانی در گذر از سنت به مدرنیته

سفر زنانه از دنیای گذشته به جهان آینده

+ دعوای بین سنت و مدرنیته دعوای تازه‌ای نیست. دست کم از دوران مشروطه به بعد که نوگرایی در ایران شکل رسمی تری به خود گرفت و عناصر مدرنیته پایشان به جهان سنتی ایرانی باز شد، اندیشمندان و متفکران ایرانی چه زن و چه مرد، پیوسته در حال تلاش برای درک این ۲ جهان بودند. فهم جهان سنتی زندگی ایرانی و نیز نسبت ایرانیان با مدرنیته و عناصرش که گاه در تضادی آشکار با فضای سنتی ایران بود و مقاومت‌های بی‌شماری از سوی جامعه سنتی به دنبال داشت، به طور ویژه در مسئله تحصیل زنان و مدارس مخصوص بانوان، شناخت مسیری که برای عبور

از سنت به مدرنیته طی شده است داستانی بس خواندنی و گاهی بسیار دردناک است، داستانی که زنان و مردان بسیاری در آن قهرمانانه برای تغییر جایگاه زنان در جامعه تلاش کردند، ناسزا شنیدند، مبارزه و ایستادگی کردند و قدم‌هایی رو به جلو برداشتند. اما از این داستان پر آب چشم که بگذریم فهم این مسیر تاریخی می‌تواند کمک بزرگی به آگاهی امروز ما از وضعیت زنان در جامعه کند. از آنجا که حتی پس از گذشت این همه سال، خانواده در ایران هم چنان یک نهاد سنتی است و فرهنگ حاکم بر آن ریشه در سنت چند هزار ساله ایرانی دارد، باید دانست که هر زن ایرانی چه بخواهد چه نخواهد از این سنت‌ها و فهم و شناخت آن‌ها گریزی ندارد. این شناخت در جهان معاصر از آن جهت ضرورتی به نظر می‌رسد که سرعت حرکت به سمت دنیای جدید برای زنان دردسرهای بسیاری آفریده است، چالش‌هایی که اگر آگاهانه با آن‌ها برخورد نشود می‌تواند هزینه روانی بسیاری به دنبال داشته باشد. ترسیم تاریخی این حرکت از سنت به سمت مدرنیته می‌تواند کمک کند تا مسیر هوشمندانه‌تر و عقلانی‌تری را پیش بگیریم.

خانم سهیلا ترابی فارسانی در کتاب «زن ایرانی گذر از سنت به مدرنیته» تلاش می‌کند این دوره تاریخی را با استفاده از منابع و با تکیه بر نشریات مختلف که زنان ایرانی از دوره مشروطه به بعد انتشار دادند ترسیم کند. زنان روزنامه‌نگار دوران مشروطه و پس از آن در پی ساختن جهان تازه‌ای برای نیازهای زن جدید بودند که هنوز پایش در سنت بود اما خواسته‌های و نیازهایش را سنت برآورده نمی‌کرد. نویسنده کتاب چنان که خود گفته است با استفاده از پژوهش‌های مداومش در دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی تلاش کرده مسیر عبور زنان و تغییراتی را که در این مسیر باعث شده است اکنون در این نقطه ایستاده باشیم نشان دهد. یکی از منابع مهم خانم ترابی همان گونه که اشاره شد نشریات است، نشریاتی چون «دانش»، «عالم نسوان»، «جهان زنان»، «زبان زنان»، «نسوان وطن‌خواه» و «شکوفه» که هر یک در زمان خود توانست قدم‌های بزرگی در این مسیر بردارد. این کتاب، اگرچه کتابی پژوهشی و مبتنی بر منابع تاریخی است، برای مخاطب علاقه‌مند و غیرمتخصص نوشته شده است. اگر علاقه دارید این داستان تاریخی را بشنوید و بدانید کجا بوده‌ایم، چه کرده‌ایم، چه از دست داده‌ایم و دستاوردهای این گذر چه بوده است، این کتاب را بخوانید.

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیر مسئول
سید هادی فیاضی
سرپرست:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی



زن ایرانی در گذر از سنت به مدرنیته
• نویسنده: سهیلا ترابی فارسانی